

نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی
سال نهم، شماره اول، شماره تریبی 16، بهار و تابستان 1396
تاریخ وصول: 1394/10/30
تاریخ اصلاحات: 1394/12/5، 1396/1/15، 1396/6/10
تاریخ پذیرش: 1396/6/13
صص 99-120

ساخت الحاقی: توصیف و پیامدهای نظری

* یادگار کریمی
** الهه نجفی

چکیده

از منظر توصیفی، فرایند الحاق به فرایندی نحوی- ساختوازی اطلاق می‌شود که در آن یک حرف اضافه با پیوستن به فعل موضوع جدیدی را به ساختار موضوعی فعل اضافه می‌کند و یا اینکه یک موضوع غیرمستقیم را به موضوع مستقیم فعل بدل می‌کند. موضوع الحاقی غالباً دارای یکی از نقش‌های معنایی بهره‌ور، ابزار، مکان و یا جهت می‌باشد. در پژوهش‌های زبان‌شناسی توصیفی/نظری، شناسایی، توصیف و تحلیل این فرایند و ساخت‌های مشتق از آن در زبان‌های ایرانی مورد غفلت قرار گرفته است و لذا این پژوهش نخستین گام جدی در راستای معرفی و بررسی این ساخت در یکی از زبان‌های ایرانی، کردی کلهری، می‌باشد. به‌طور مشخص، در این مقاله، ساخت الحاقی در زبان کردی کلهری با تکیه بر جنبه‌های توصیفی و نظری آن مورد کنکاش قرار می‌گیرد و از این رهگذر ملاک‌های تشخیص این ساخت و تحلیل ساز و کارهای نحوی دخیل در اشتقاق آن در انگاره زایشی کمیته گرامرفی می‌گردند.

کلیدواژه‌ها: الحاق، ساخت الحاقی، کردی کلهری، ساخت موضوعی، فعل

1. مقدمه

در سال‌های اخیر، زبان‌شناسان به صورت گسترده‌ای به بررسی ساختار موضوعی فعل‌ها و فرایندهای موثر بر آن در زبان‌های مختلف پرداخته‌اند. یکی از فرایندهایی که ساختار موضوعی فعل را دستخوش تغییر می‌کند فرایند الحاق¹ است. فرایند الحاق، فرایندی نحوی- ساختوازی است که در آن یک حرف اضافه با پیوستن به فعل موضوع جدیدی را به ساختار موضوعی فعل اضافه می‌کند. این موضوع جدید در زبان‌های مختلف می‌تواند دارای نقش‌های معنایی بهره‌ور، ابزار، مکان، جهت و غیره باشد. الحاقی‌ها بر اساس نقش معنایی موضوع اضافه شده دارای انواع متفاوتی هستند. ساخت‌های الحاقی بهره‌ور/ متضرر، ابزاری و مکانی از رایج‌ترین انواع این ساخت‌ها می‌باشند (میتون، 2001). مثال زیر از زبان آینو² فرایند الحاق را به نمایش می‌گذارد³:

(1) a. A-kor kotan ta sirepa-an (شیپاتانی، 1990: 65)

1SG-POSS village to arrive-1SG.INTR
'I arrived at my village'.

b. A-kor kotan a-e-sirepa .
1SG-POSS village 1SG.TR-APPL-arrive
'I arrived at my village'.

در مثال فوق، در جمله (a) عنصر مکان توسط گروه پس‌اضافه قیدی نشان داده شده است اما در جمله (b) با اضافه شدن وند الحاقی به فعل و افزایش ظرفیت فعل عنصر مکان به صورت موضوع مفعولی در جمله حضور یافته است. در این مقاله، ساخت‌هایی از زبان کردی کلهری مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرند که دارای شباهت ساختاری با ساخت‌هایی هستند که در آن‌ها فرایند الحاق به‌وقوع پیوسته است⁴:

(2) a. čɪ-m ra deišt.
1.مفرد- گذشته. رفتن بیرون به

'(من) بیرون رفتم.'

b. čɪ-m-æ deišt.
1.مفرد- گذشته. رفتن الحاقی- بیرون

'(من) بیرون رفتم.'

¹ Application

² Ainu

³ اختصارات انگلیسی و فارسی بکار رفته در این مقاله، به ترتیب، به شرح زیر می‌باشند:

APPL: applicative, INTR: intransitive, POSS: possession, TR: transitive, SG: singular, 1: 1st person, 2: 2st person, 3: 3st person.

الحاق: وند الحاقی؛ التز: وند التزامی؛ 1: اول شخص؛ 2: دوم شخص؛ 3: سوم شخص.

⁴ تا آنجا که نگارندگان این مقاله اطلاع دارند استعمال اصطلاح‌های الحاق و ساخت الحاقی در پژوهش‌های صورت گرفته بر روی زبان‌های ایرانی در دو اثر کریمی (2014) و صدیقی (2007) یافت می‌شود. اما نکته قابل ذکر این است که استفاده از اصطلاح الحاق توسط این نویسندگان ناظر بر گسترش و تعمیم نظری این فرایند در تحلیل ساخت‌های گنایی در زبان کردی و ساخت‌های لازم یک شخصه در زبان فارسی می‌باشد و در هیچ یک از این آثار تحلیل ساخت‌های الحاقی آنگونه که در ادبیات توصیفی و رده‌شناسی مطرح هست مدنظر نبوده است.

همان‌گونه که از داده‌های (a-b2) مشهود است آنچه که از آن تحت عنوان ساخت الحاقی در زبان کلهری یاد خواهد شد دارای مشابهت‌های صوری-صرفی-نحوی با ساخت‌های مورد مطالعه در زبان‌های دیگر است. به‌طور مشخص در مثال (a2) افزوده مکانی توسط حرف اضافه به گروه فعلی اضافه شده است این در حالی است که در جفت الحاقی متناظر (b2) حرف اضافه از ساخت جمله حذف گردیده و در مقابل یک تکواژ وابسته به فعل اضافه گردیده است. از نظر سازه‌ای، در ساخت الحاقی، متعاقب انضمام حرف اضافه به فعل، گروه حرف اضافه‌ای افزوده ظاهراً به یک گروه اسمی تبدیل شده است¹. این پژوهش علاوه بر توصیف دقیق این ساخت‌ها، تحلیلی نظری از چگونگی اشتقاق این ساخت‌ها در چارچوب انگاره زایشی ارائه خواهد کرد.

ساختار مقاله بدین شرح است که در بخش دوم پیشینه پژوهش در ارتباط با ساخت الحاقی در زبان‌های مختلف ارائه می‌شود. بخش سوم به معرفی و توصیف ساخت الحاقی با تکیه بر ویژگی‌های نحوی-ساختوازی این ساخت‌ها در کردی کلهری اختصاص دارد. در بخش چهارم تحلیل نظری چگونگی اشتقاق این ساخت‌ها ارائه می‌شود و در نهایت نتایج بدست آمده از پژوهش بخش پنجم را شکل می‌دهد.

2. پیشینه پژوهش

یکی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در ادبیات نظری در خصوص ساخت‌های الحاقی در چهارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی صورت گرفته انضمام بیکر (1988) است. بیکر (1988) ساخت الحاقی را نتیجه عملکرد فرایند انضمام می‌داند که نمونه‌ای از گشتار حرکت آلفا محسوب می‌شود. انضمام، اضافه شدن یک هسته X به یک هسته Y حاکم مثل فعل است. به عقیده بیکر، تکواژ الحاقی به عنوان یک مقوله واژگانی مستقل در زیرساخت نحوی مشتق می‌شود و سپس از جایگاه اصلی خود حرکت می‌کند و به فعل منضم می‌شود (بیکر، 1988: 19). تکواژ الحاقی فعلی زمانی ایجاد می‌شود که یک حرف اضافه از جایگاه اصلی خود حرکت کرده و به فعل منضم شده باشد.

مارانتز (1993) ساخت‌های الحاقی را بر اساس مفهوم حاکمیت تحلیل کرده است. مارانتز (1993) چنین مطرح می‌کند که وند الحاقی رفتاری مشابه با فعل دارد و به لحاظ معنایی می‌تواند یک موضوع رویدادی را در قالب یک گروه فعلی به عنوان متمم خود بپذیرد (مارانتز، 1993: 114). این وند الحاقی در برخی زبان‌ها می‌تواند نمود آوایی داشته باشد

¹ البته آنچه که در آثار رده‌شناختی در خصوص ارتقاء موضوع غیرفعلی (Oblique) به موضوع مفعولی در ساخت‌های الحاقی از آن یاد می‌شود مبتنی بر ملغمه‌ای از ویژگی‌های دستوری و معنایی/نقشی موضوع ارتقاء یافته است. گاهاً در یک زبان، موضوع ارتقاء یافته به یک مفعول تمام عیار فعل تبدیل می‌شود و مختصه‌های دستوری یک مفعول را از خود نشان می‌دهد (همچون مفعول الحاقی در بندهای لازم در زبان‌های سواحیلی و یاگوا). این در حالی است که الحاقی‌سازی موضوع غیرفعلی در بعضی از زبان‌ها صرفاً به تغییر مقوله دستوری آن موضوع از گروه حرف اضافه‌ای به گروه اسمی می‌انجامد و این گروه اسمی الحاقی اصولاً مفعول جدید محسوب نمی‌شود. در این گونه از زبان‌ها، الحاقی‌سازی موضوع غیرفعلی باعث ایجاد خوانش تأکیدی آن موضوع می‌شود (همچون الحاقی‌سازی موضوع غیرفعلی در زبان‌های چوا (Chewa) و نرپرس (Nez Perce)). لذا اصطلاح "ارتقاء" موضوع در تعریف ساخت‌های الحاقی صرفاً تمایلی رده‌شناختی است نه یک مختصه همگانی و جهانشمول. همانگونه که در بخش‌های متعاقب ذکر آن خواهد رفت، عمده کارکرد معنایی/نقشی الحاقی‌سازی در کردی کلهری به‌دست دادن خوانش تأکید اطلاعی از موضوع الحاقی شده است و لزوماً ارتقاء دستوری در آن تعبیر که آن گروه اسمی ویژگی‌های یک موضوع درونی را از خود نشان دهد موضوعیت نمی‌یابد؛ اگرچه چنانچه استدلال خواهد شد موضوع الحاقی جدید با تغییر مقوله به گروه اسمی تابع اصول و شروط حاکم بر توزیع گروه‌های اسمی خواهد بود.

و در برخی دیگر می‌تواند بدون تظاهر آوایی باشد. در روند اشتقاق، فعل و وند الحاقی از طریق ارتقاء¹، جذب² و یا ادغام³ در کنار هم قرار می‌گیرند. مارانتز معتقد است که تشکیل ساخت الحاقی از طریق انضمام باعث می‌شود که موضوع پذیرا ویژگی‌های مفعولی خود را از دست بدهد؛ درحالی‌که تشکیل این ساخت‌ها از طریق فرایند جذب باعث حفظ ویژگی‌های مفعولی می‌شود (پولکانن⁴، 2008). به طور کلی می‌توان گفت که تحلیل مارانتز (1993) به نوعی اصلاح و بهسازی تحلیل بیکر (1988) است. در طرح مارانتز وند الحاقی دیگر حرف اضافه نیست بلکه یک وند فعلی است. علاوه بر این هسته فعلی با وند الحاقی ادغام شده و در سمت چپ آن قرار گرفته است و محدودیت حرکت هسته نیز به درستی در آن رعایت شده است.

پولکانن (2008) تحلیل نحوی دیگری از ساخت‌های الحاقی ارائه می‌دهد که تا حدودی مشابه نظر مارانتز (1993) است. در طرح مارانتز (1993) وندهای الحاقی عناصری هستند که یک رویداد را به عنوان موضوع خود می‌پذیرند و یک عنصر نحوی که به لحاظ معنایی به رویداد مرتبط است را به ساخت معرفی می‌کنند. پولکانن (2008) طرح مارانتز را با نظریه کرتزر (1994) ترکیب می‌کند. وی هسته الحاق⁵ و هسته جهت⁶ را دو هسته نقشی می‌داند که بالاتر از هسته فعلی و ریشه قرار دارند. پولکانن معتقد است که عناصری که موضوع‌های غیراصلی را به ساخت موضوعی معرفی می‌کنند هسته‌های نحوی هستند. این هسته‌های نحوی با متمم‌ها و مشخص‌گرهای خود از طریق ترکیب معنایی ادغام می‌شوند (پولکانن، 2008: 6). وی معتقد است که موضوع‌های غیراصلی توسط هفت هسته نقشی مختلف به ساخت جملات معرفی می‌شوند. یکی از هسته‌های معرف موضوع، هسته الحاق است که یک موضوع جدید را به ساخت می‌افزاید. پولکانن (2008) این هسته را با توجه به متممی که می‌پذیرد به دو نوع تقسیم می‌کند: ساخت الحاقی فرازین⁷ و ساخت الحاقی فرودین⁸. ساخت‌های الحاقی فرازین را به لحاظ سنتی ساخت الحاقی متقارن و نوع فرودین آن را ساخت الحاقی نامتقارن می‌نامند (بیکر، 1998؛ مچومبو، 1993). هر یک از این انواع الحاق‌ها معنای واژگانی متفاوتی دارند. پولکانن تفاوت زبان‌ها را در انتخاب و نحوه به کارگیری این هسته‌های نقشی می‌داند.

3. ساخت الحاقی در کردی کلهری

کردی کلهری مانند دیگر زبان‌های ایرانی زبانی ضمیر انداز است و فاعل را می‌توان از طریق شناسه روی فعل بازیابی کرد؛ در این زبان نیز مانند بسیاری دیگر از زبان‌های ایرانی فعل به لحاظ شخص و شمار تصریف می‌شود و این ویژگی‌ها را از طریق شناسه روی فعل نشان می‌دهد. ساخت زیربنایی جملات در کردی کلهری به صورت فاعل-مفعول-فعل (SOV) است در گویش کلهری، فرایندهایی وجود دارد که علاوه بر تغییر توالی واژه‌ها، تغییرات نحوی دیگری نیز در سطح جمله پدید می‌آورند:

(3) a. wæ Reza wet-em bɪ-čũ ra maɬ.

¹ Raising

² Adjunction

³ Merge

⁴ Pylkkanen

⁵ Applicative Head

⁶ Voice head

⁷ High Applicative

⁸ Low Applicative

خانه حرف اضافه 3. مفرد-حال-رو-التز 1. مفرد- گذشته. گفتن رضا حرف اضافه

‘به رضا گفتم (که) به خانه برود.’¹

b. wet-em-æ Reza bɪ-čʉ-Ø-æ maɫ.

خانه الحاق-3. مفرد-حال-رو-التز رضا الحاق-1. مفرد- گذشته. گفتن

‘به رضا گفتم (که) به خانه برود.’¹

(4) a. ra maɫ čɪ-m.

1. مفرد-حال. رفتن خانه حرف اضافه

‘(من) به خانه می‌روم.’

b. čɪ-m-æ maɫ.

خانه الحاق-1. مفرد-حال. رفتن

‘(من) به خانه می‌روم.’

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در جمله‌های (a) مفعول جمله با حرف اضافه همراه شده است و در جایگاه قبل از فعل قرار گرفته است اما در جمله‌های متناظر (b) حرف اضافه همراه مفعول حذف شده و تکواژ -æ به صورت پسوند به فعل اضافه شده است. اضافه شدن این پسوند به فعل، تغییر توالی واژه‌ها را به همراه دارد. از سوی دیگر، پسوند -æ و حرف اضافه در توزیع تکمیلی هستند؛ به این معنا که زمانی که گروه حرف اضافه با فعل همراه شود تکواژ -æ نمی‌تواند به صورت پسوند به فعل اضافه شود و متقابلاً زمانی که پسوند -æ با فعل همراه است حرف اضافه از گروه حرف اضافه حذف و تبدیل به گروه اسمی می‌شود. مثال زیر غیر دستوری بودن کاربرد هم‌زمان حرف اضافه و تکواژ الحاقی را نشان می‌دهد:

*(5). čɪ-m-æ ra maɫ.

خانه حرف اضافه الحاق-1. مفرد-حال. رفتن

‘به خانه می‌روم.’

در مطالعه ساخت‌های الحاقی، بررسی رفتار نحوی و نقش معنایی مفعول‌ها و همچنین میزان گذرایی فعل‌های پایه بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که این دو پارامتر موجب تفاوت ساخت‌های الحاقی در زبان‌های مختلف هستند. از این رو نخست، میزان گذرایی فعل پایه و امکان تولید ساخت الحاقی از انواع فعل‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

3-1. الحاقی سازی و میزان گذرایی فعلها

در زیر بخش 3-1-1 الحاقی سازی با فعل لازم، در زیربخش 3-1-2 الحاقی سازی با فعل متعدی تک مفعولی و در زیربخش 3-1-3 الحاقی سازی با فعل دو مفعولی معرفی و توصیف می‌شود.

3-1-1. الحاقی سازی با فعل لازم

ساخت‌های الحاقی غالباً از فعل پایه گذرا ایجاد می‌شوند البته در زبان‌هایی چون زبان لایی¹ به همراه فعل لازم نیز ساخت الحاقی به کار برده می‌شود. حال با ارائه مثال‌هایی از گویش کلهری به بررسی الحاقی سازی با فعل لازم در این گویش

¹ Lai

می‌پردازیم. در مثال‌های زیر، جملات (a) صورت غیرالحاقی و جملات (b) ما به‌ازای الحاقی آن‌ها را به نمایش می‌گذاریم:

(6).

Čiŋen : (مصدر رفتن)

a. čɪ-m ra deišt.

بیرون حرف اضافه 1.مفرد-گذشته.رفتن

‘(من) بیرون رفتم.’

b. čɪ-m-æ deišt.

بیرون الحاقی-1.مفرد-گذشته.رفتن

‘(من) بیرون رفتم.’

Wɪsan: (مصدر ماندن)

a. Le maɪ wes-em.

1.مفرد-حال.ماندن خانه حرف اضافه

b. wɪs-em-æ maɪ.

خانه الحاقی-1.مفرد-حال.ماندن

‘(من) خانه می‌مانم.’

Xænesen : (مصدر خندیدن)

a. wæ Reza xænes-em .

1.مفرد-گذشته.خندیدن رضا حرف اضافه

b. xænes-em-æ Reza

رضا الحاقی-1.مفرد-گذشته.خندیدن

‘به رضا خندیدم.’

جملات فوق نشان می‌دهند که در گویش کلهری می‌توان با افعال لازم ساخت الحاقی ایجاد کرد. البته باید متذکر شد که در این گویش با همه افعال لازم نمی‌توان ساخت الحاقی ایجاد کرد. مثال زیر این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد:

(7) a. Ali le tæsadef mɪrd-∅.

3.مفرد-گذشته.مردن تصادف حرف اضافه علی

‘علی در تصادف مرد (کشته شد).’

b. *Ali mɪrd-∅-æ tæsadef.

تصادف الحاقی-3.مفرد-گذشته.مردن علی

‘علی در تصادف مرد (کشته شد).’

به طور کلی، علاوه بر فعل‌هایی که در مثال‌های فوق ذکر شده‌اند، فعل‌های لازم زیر می‌توانند در تشکیل ساخت الحاقی به کار روند:

Čiŋen (wæ/ ra)

رفتن به

Pærin (wæ)

پریدن در

| | | | |
|-----------------|-------------------|--------------|--------------|
| Haten (wæ/ ra) | آمدن به | Kæften (wæ) | افتادن روی |
| Ræsin (wæ) | رسیدن به | Dævin (wæ) | دویدن به سوی |
| Ništen (le/ wæ) | نشستن در/ در کنار | Xænesen (wæ) | خندیدن به |
| Buyen (wæ/ le) | بودن | | |

3-1-2. الحاقی سازی با فعل متعدی

جملات زیر نمونه‌هایی از کاربرد ساخت الحاقی به همراه فعل‌های متعدی است:

(8).

Bɪrden: (مصدر بردن)

a. kɪtaw-æ ra kɪtawxanæ bɪrd-em
1. مفرد-گذشته. بردن کتاب‌خانه حرف اضافه معرفه-کتاب

b. kɪtaw-æ bɪrd-em-æ kɪtawxanæ.
الحاق-1. مفرد-گذشته. بردن معرفه-کتاب کتاب‌خانه

’کتاب را به کتاب‌خانه بردم’

Dayen: (مصدر زدن)

a. le menal-æ da-n.
3. جمع-گذشته. زدن معرفه-بچه حرف اضافه

b. da-n-æ menal-æ .
معرفه-بچه الحاق-3. جمع-گذشته. زدن

’(آن‌ها) بچه را کتک زدند.’

Hawɪrden: (مصدر آوردن)

a. dusæm hawɪrd-em wæ/ ra maɫ.
خانه حرف اضافه 1. مفرد-گذشته. آوردن دوستم

b. dusæm hawɪrd-em-æ maɫ.
خانه الحاق-1. مفرد-گذشته. آوردن دوستم

’دوستم را به خانه آوردم.’

Nüsanen: (مصدر نوشتن)

a. name wæ Reza nüsan-em.
1. مفرد-گذشته. نوشتن رضا حرف اضافه نامه

b. name nüsan-em-æ Reza
رضا الحاق-1. مفرد-گذشته. نوشتن نامه

’نامه‌ای به رضا نوشتم.’

در مثال‌های بالا، جملات (a) صورت غیرالحاقی و جملات (b) شکل الحاقی جملات مورد نظر هستند. همان‌طور که مشاهده می‌شود کاربرد فعل متعدی با ساخت الحاقی نیز منجر به اشتقاق جملات کاملاً دستوری شده است. البته تنها برخی از افعال متعدی قادر به شرکت در ساخت الحاقی هستند فعل‌های زیر از آن دسته‌اند:

| | | | |
|-------------------|-------------------------|-------------------|---------------|
| Hawrden (wæ / ra) | آوردن به | Zæŋ dayen (wæ) | زنگ زدن به |
| Bırden (wæ) | بردن به | Terækanen (wæ) | ترکاندن |
| Dayen (le) | زدن به / برخورد کردن با | Hæsüdi kården(wæ) | حسادت کردن به |
| Nüsanen(wæ) | نوشتن به | Rešānen (wæ) | ریختن بر |
| Guš dayen (wæ) | گوش دادن به | Čæsapanen (wæ) | چسباندن به |
| Rænjanen (le) | رنجاندن از | Alxesen(wæ) | پهن کردن |
| Pæna bården (wæ) | پناه بردن به | | |

3-1-3 الحاقی‌سازی با فعل دو مفعولی

زبان‌ها افعال دو مفعولی کمتری نسبت به افعال گذرا دارند. جملاتی که دارای فعل دو مفعولی هستند را ساخت دو مفعولی می‌گویند؛ به عبارت دیگر، ساخت دو مفعولی ساختی است که شامل یک فعل (دو مفعولی)، یک عامل، یک موضوع گیرنده و یا شبیه آن و یک موضوع پذیرنده می‌باشد (رضایی و هوشمند، 1391). کیتیل¹ (2006) معتقد است که اگر زبانی فعل دو مفعولی داشته باشد فعل دادن در میان آن‌هاست و چنان‌چه زبانی تنها یک فعل دو مفعولی داشته باشد آن فعل حتماً فعل دادن است. جملات (a) در مثال‌های زیر نمونه ساخت دو مفعولی و جملات (b) نمونه ساخت الحاقی همراه با افعال دو مفعولی در کردی کلهری هستند:

(9).

Dayen: (مصدر دادن)

a. Kıtaw-ayl-æ da-n wæ Reza.

رضا حرف اضافه 3. جمع-گذشته.دادن معرفه-جمع-کتاب

b. Kıtaw-ayl-æ da-n-æ Reza.

رضا الحاق 3. جمع-گذشته.دادن معرفه-جمع-کتاب

‘(آن‌ها) کتاب‌ها را به رضا دادند.’

Frušan: (مصدر فروختن)

a. Kıtaw-æ fruš-an wæ Reza.

رضا حرف اضافه 3. جمع-گذشته.فروختن معرفه-کتاب

b. Kıtaw-æ fruš-an-æ Reza.

رضا الحاق 3. جمع-گذشته.فروختن معرفه-کتاب

‘(آن‌ها) کتاب را به رضا فروختند.’

فهرست زیر مجموعه‌ای از افعال دو مفعولی است که در تشکیل ساخت الحاقی به کار گرفته می‌شوند:

¹ Kittila

| | | | |
|-----------------|-------------|-------------------|-------------------|
| Dayen (wæ) | دادن به | Gerten (ra) | نگه داشتن برای |
| Frušan (wæ) | فروختن به | Kɪl kɪrden (ra) | فرستادن برای |
| Dezin (le/wæ) | دزدیدن از | Ešar kɪrden (le) | پنهان کردن از |
| Qowl dayen (wæ) | قول دادن به | Bæš kɪrden (ra) | تقسیم کردن (برای) |
| Nayen (wæ) | گذاشتن بر | Lawɪrden (le /wæ) | برداشتن از |
| Ræsânen (wæ) | رساندن به | Sænen (le/ wæ) | خریدن از |

بنابراین در گویش کلهری با هر سه نوع فعل لازم، متعدی تک مفعولی و متعدی دو مفعولی که با یکی از حروف اضافه wæ و ra به معنای به و le به معنای از همراه باشند می‌توان ساخت الحاقی را به کار گرفت.

2-3. انواع ساخت الحاقی بر اساس نقش معنایی موضوع اضافه شده

همان‌گونه که ذکر آن رفت اصطلاح ساخت الحاقی در رابطه با ساخت‌هایی به کار می‌رود که از پیوستن یک تکواژ به فعل و افزودن یک موضوع جدید به ظرفیت فعل شکل می‌گیرند. این موضوع جدید در زبان‌های مختلف می‌تواند دارای نقش‌های معنایی بهره‌ور، ابزار، مکان، جهت و غیره باشد. الحاقی‌ها بر اساس نقش معنایی موضوع اضافه شده دارای انواع متفاوتی هستند. ساخت‌های الحاقی بهره‌ور/ متضرر، ابزاری و مکانی از رایج‌ترین انواع این ساخت‌ها می‌باشند. یکی از انواع ساخت‌های الحاقی که در گویش کلهری کاربرد بسیار دارد ساخت الحاقی بهره‌وری/ متضرر است که معمولاً با فعل دو مفعولی دادن و افعال مرکبی که با این فعل ساخته می‌شوند ایجاد می‌شود:

(10)

- a. kɪtaw-æ da-m wæ Reza.
رضا حرف اضافه 1. مفرد-حال. دادن معرفه-کتاب
- b. kɪtaw-æ da-m-æ Reza.
رضا الحاق-1. مفرد-حال. دادن معرفه-کتاب
'(من) کتاب را به رضا می‌دهم.'
- c. wæ pe xænes-em.
1. مفرد-گذشته. خندیدن او حرف اضافه
- d. xænes-em-æ pe.
او الحاق-1. مفرد-گذشته. خندیدن
'به او خندیدم.'

همان‌طور که جملات فوق نشان می‌دهند توالی واژه‌ها در ساخت الحاقی بهره‌وری/ متضرر متشکل از فعل دو مفعولی به صورت NP-V-NP و در ساخت بهره‌وری متشکل از فعل تک مفعولی به صورت V-NP می‌باشد؛ یعنی مفعول الحاقی همواره با فعل همجوار است.

نوع دیگری از ساخت‌های الحاقی در این گویش، ساخت الحاقی مکانی است. مفعول الحاقی در این نوع ساخت دارای نقش معنایی مکان می‌باشد و بعد از فعل جمله قرار می‌گیرد:

(11).

- a. kɪtaw-æ bɪrd-∅-æ maɪ .
خانه الحاق-3. مفرد-گذشته. بردن معرفه-کتاب

‘کتاب را به خانه برد.’¹

b. čɪ-n-æ deišt

بیرون الحاق-3. جمع-حال. رفتن

‘(آنها) بیرون می‌روند.’²

c. Sara Reza kɪl kɪrd-Ø-æ mał

خانه الحاق-3. مفرد-گذشته. کردن فرستادن رضا سارا

‘سارا رضا را به خانه فرستاد.’³

e. ha-m-æ mædresæ

مدرسه الحاق-1. مفرد-حال. بودن

‘در مدرسه‌ام.’⁴

جملات زیر معادل غیرالحاقی ساخت‌های الحاقی فوق‌الذکر را در گویش کلهری نشان می‌دهند:

(12). a. kɪtaw-æ bɪrd-Ø ra mał.

b. č-in ra deišt.

c. Sara Reza kɪl kɪrd-Ø ra mał.

e. ham wæ mał.

انتخاب صورت الحاقی و یا غیرالحاقی جمله در گویش کلهری بنا به دلایل نحوی-کلامی صورت می‌پذیرد. زمانی که تأکید جمله بر مفعول غیرمستقیم واقع شود گویشور، گونه الحاقی را به کار می‌گیرد. لمبرکت¹ (1994) از آزمون پرسش و پاسخ به عنوان ابزاری برای تشخیص سازه‌های دارای اطلاع کهنه (مبتدا) و اطلاع جدید (کانون) یاد می‌کند. بر اساس این آزمون، عناصری که در صورت سوال حضور دارند مبتدا و عناصر جدیدی که در پاسخ به سوال بیان می‌شوند کانون هستند. پرسش و پاسخ زیر کانونی بودن مفعول الحاقی را نشان می‌دهد:

(13).

A: Kɪtaw-æ wæ Reza da-m.

1. مفرد-گذشته. دادن رضا حرف اضافه معرفه-کتاب

‘کتاب را به رضا دادم.’²

B: kɪtaw-æ da-id wæ ki?

چه کسی حرف اضافه 2. مفرد-گذشته. دادن معرفه-کتاب

‘کتاب را به کی دادی؟’³

A: kɪtaw-æ da-m-æ Reza

رضا الحاق-1. مفرد-گذشته. دادن معرفه-کتاب

‘کتاب را دادم به رضا.’⁴

همان‌گونه که مشاهده می‌شود مفعول الحاقی (رضا) عنصری است که در صورت سوال حضور نداشته است بنابراین کانون جمله فوق خواهد بود. گویش کلهری از یک تکواژ واحد برای نشان دادن ساخت‌های الحاقی متفاوت استفاده می‌کند:

(14) a. kɪtaw-æ da-m-æ Sara.

¹ K. Lambrecht

سارا الحاق-1. مفرد-گذشته. دادن معرفه-کتاب
 'کتاب را به سارا دادم.'

b. kɪtaw-æ bɪrd-em-æ maɪ.

خانه الحاق-1. مفرد-گذشته. بردن معرفه-کتاب
 'کتاب را به خانه بردم.'

جمله اول ساخت الحاقی بهره‌وری و جمله‌ی دوم ساخت الحاقی مکانی است. حرف اضافه‌های معادل این تکواژها که در صورت‌های غیرالحاقی به کار گرفته شده‌اند ra و wæ هستند که اولی به معنای به و دومی به معنای برای/ به می‌باشد. نکته حائز اهمیت در رابطه با این حروف اضافه این است که زمانی که حرف اضافه ra در معنای به بکار برود می‌توان از آن جمله صورت الحاقی ایجاد کرد اما زمانی که معنای این حرف اضافه برای باشد نمی‌توان از آن ساخت الحاقی ساخت:

(15) a. kɪtaw-æ ra Reza kɪl kɪrd-em.

1. مفرد-گذشته. کردن فرستادن رضا برای معرفه-کتاب
 'کتاب را برای رضا فرستادم.'

b. *kɪtaw-a kɪl kɪrd-em-æ Reza.

رضا بهره‌ور-1. مفرد-گذشته. کردن فرستادن معرفه-کتاب
 'کتاب را برای رضا فرستادم.'

c. kɪtaw-æ kɪl kɪrd-em ra maɪ.

خانه به 1. مفرد-گذشته. کردن فرستادن معرفه-کتاب
 'کتاب را به خانه فرستادم (ارسال کردم).'

d. kɪtaw-æ kɪl kɪrd-em-æ maɪ.

خانه مکانی-1. مفرد-گذشته. کردن فرستادن معرفه-کتاب
 'کتاب را به خانه فرستادم (ارسال کردم).'

e. menal-æ ra Reza xæn-es.

3. مفرد-گذشته. خندیدن رضا حرف اضافه معرفه-بیچه
 'بیچه برای رضا خندید.'

f. *menal-æ xæn-es-æ Reza .

رضا الحاق-3. مفرد-گذشته. خندیدن معرفه-بیچه
 'بیچه برای رضا خندید.'

g. menal-æ wæ Reza xæn-es.

3. مفرد-گذشته. خندیدن رضا حرف اضافه معرفه-بیچه
 'بیچه به رضا خندید.'

h. menal-æ xæn-es-æ Reza.

رضا الحاق-3. مفرد-گذشته. خندیدن معرفه-بیچه
 'بیچه به رضا خندید.'

i. kɪtaw-æ ba-m ra maɪ.

خانه حرف اضافه 1. مفرد-حال. بردن معرفه-کتاب

‘کتاب را به خانه می‌برم.’

j. kɪtaw-æ ba-m-æ maʔ.

خانه الحاق-1.مفرد-حال.بردن معرفه-کتاب

‘کتاب را به خانه می‌برم.’

k. kɪtaw-æ ra Nima ba-m.

1.مفرد-حال.بردن نیا برای معرفه-کتاب

‘کتاب را برای نیا می‌برم.’

l. * kɪtaw-æ ba-m-æ Nima.

نیا الحاق-1.مفرد-حال.بردن معرفه-کتاب

‘کتاب را برای نیا می‌برم.’

نکته قابل تأمل دیگری که از داده‌های (15) قابل استنتاج است این است که آنچه وند الحاقی منضم به فعل خواننده می‌شود صرفاً صورت آوایی تخفیف‌یافته حروف اضافه در کلهری نیست؛ چرا که اگر چنین بود بافت آوایی مقید کننده این تخفیف آوایی نمی‌بایست، در شرایط یکسان، متفاوت عمل کند. در مثال‌های (b, f و l) حرف اضافه ra قابلیت تخفیف آوایی را، به زعم تحلیل آوایی، ندارد حال آنکه در سایر مثال‌ها این قابلیت وجود دارد. حساسیت به مشخصه‌های معنایی و نحوی موضوع-محمول عامل قابلیت/عدم قابلیت انضمام نحوی-ساختواژی عنصر الحاقی می‌باشد این در حالی است که بافت‌های مقید کننده آوایی تخفیف به چنین اطلاعاتی نه دسترسی دارند و نه حساسیت. در سویی دیگر، حروف اضافه‌ای که قابلیت انضمام به صورت وند الحاقی با تبعات نحوی/ساختواژی را دارند حروف اضافه ra و wæ به معنای به و le به معنای از می‌باشند که به لحاظ آوایی طبقه‌ای طبیعی را شکل نمی‌دهند که بتوان، مبتنی بر آن، صورت‌بندی قاعده‌ای آوایی (تخفیف) را به دست داد چرا که این صورت‌بندی هرطور طراحی شود دارای خلاهای اتفاقی بیشماری در درون‌داد این قاعده چه در حوزه این سه حرف اضافه و چه در حوزه سایر حروف اضافه مشابه خواهد بود.¹

3-3. موضوع الحاقی و حرکت

همانگونه که در بخش 3-2 ذکر آن رفت الحاقی‌سازی مفعول غیرمستقیم در ساخت‌های متعددی دو مفعولی خوانش تأکید اطلاعی را بر این گروه اسمی مترتب می‌سازد. این بدان معناست که موضوع هدف/مفعول غیرمستقیم به عنوان یک گروه اسمی الحاقی از جایگاه موضوعی خود حرکت و به جایگاهی غیرموضوع که آن را جایگاه کانون پایین‌تر از فاعل فرض می‌کنیم حرکت می‌کند (ن. ک بخش 4-2). با در نظر گرفتن این مفروضات، این پرسش قابل طرح است که

¹ ذکر این نکته ضروری است که وند‌های الحاقی در زبانهایی که در نظام دستوری/صرفی خود از آنها بهره می‌برند گاه، به لحاظ تاریخی، صورت آوایی تخفیف یافته افعال کمکی و یا حروف اضافه هستند. لذا مسئله تحلیل همزمانی در این خصوص این است که آیا این صورت‌ها در نظام دستوری یک زبان صرفاً صورت آوایی تخفیف یافته در نتیجه یک قاعده واجشناختی، بدون تبعات نحوی/صرفی (همچون واژه‌بست‌های ساده و جفت متناظر آنها) هستند یا این صورت‌های آوایی تخفیف یافته در نتیجه دستوری/صرفی شدگی شمایل یک وند دستوری/صرفی با تبعات نحوی/صرفی/معنایی را به خود گرفته‌اند. بنابراین آنچه داده‌های کردی کلهری نشان می‌دهند حاکی از این است که وند الحاقی حتی به فرض این که به لحاظ تاریخی صورت آوایی تخفیف یافته باشد در نظام کنونی این زبان دستخوش صرفی/دستوری شدگی شده است و این به نوبه خود سبب خوانش نحوی-معنایی جدید از ساخت الحاقی شده است.

چنانچه مفعول غیرمستقیم از گروه حرف‌اضافه‌ای (غیرالحاقی) به گروه اسمی (الحاقی) تغییر مقوله داده باشد آیا این مقوله‌بندی جدید گروه اسمی را به تبعیت از اصول و شروط ناظر بر حرکت گروه اسمی و می‌دارد؟ پاسخ به این پرسش را با بررسی حرکت در ساخت مجهول بندهای متعدی دو مفعولی دنبال می‌کنیم.

در گویش کلهری مفعول‌ها در رابطه با فرایند مجهول‌سازی رفتاری نامتقارن از خود نشان می‌دهند و تنها مفعول مستقیم قادر است که در جایگاه فاعل روساختی جمله مجهول قرار گیرد:

(16). a. adres-ayl-a le/wæ Reza grt-em.

1. مفرد-گذشته. گرفتن رضا از جمع-آدرس

‘آدرس‌ها را از رضا گرفتم.’

b. adres-ayl-a le/wæ Reza gr-ya-n.

3. جمع-مجهول-گذشته-گرفتن رضا از جمع-آدرس

‘آدرس‌ها از رضا گرفته شدند.’

c. le/wæ Reza adres-ayl-a gr-ya-n.

3. جمع-مجهول-گذشته-گرفتن جمع-آدرس رضا از

‘از رضا آدرس‌ها گرفته شدند.’

جمله (b) در مثال‌های فوق نشان می‌دهد که در صورت مجهول، مفعول مستقیم در جایگاه فاعل جمله قرار می‌گیرد و این از مطابقت فعل با فاعل مشهود است. در جمله (c) مفعول غیرمستقیم در جایگاه مشخص‌گر گروه مبتدا قرار گرفته است و در واقع این مفعول مستقیم است که جایگاه فاعل روساختی جمله را اشغال کرده است. مطابقت فعل با فاعل روساختی (مفعول مستقیم زیرساختی) نشان‌دهنده جایگاه فاعلی در صورت مجهول است. بنابراین گویش کلهری در رابطه با فرایند مجهول‌سازی زبانی مفعول-نامتقارن است بدین معنا که در این گویش تنها مفعول مستقیم قادر است که ویژگی‌های مفعول اصلی را بروز دهد. حال رفتار مفعول‌های الحاقی را نسبت به فرایند مجهول‌سازی مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

(17) a. ktaw-eyl-a da-n-æ Ali.

علی الحاق-3. جمع-گذشته-دادن معرفه-جمع-کتاب

‘کتاب‌ها را به علی دادند.’

b. ktaw-eyl-a dr-ya-n-æ Ali.

علی الحاق-3. جمع-مجهول. گذشته-دادن معرفه-جمع-کتاب

‘کتاب‌ها به علی داده شدند.’

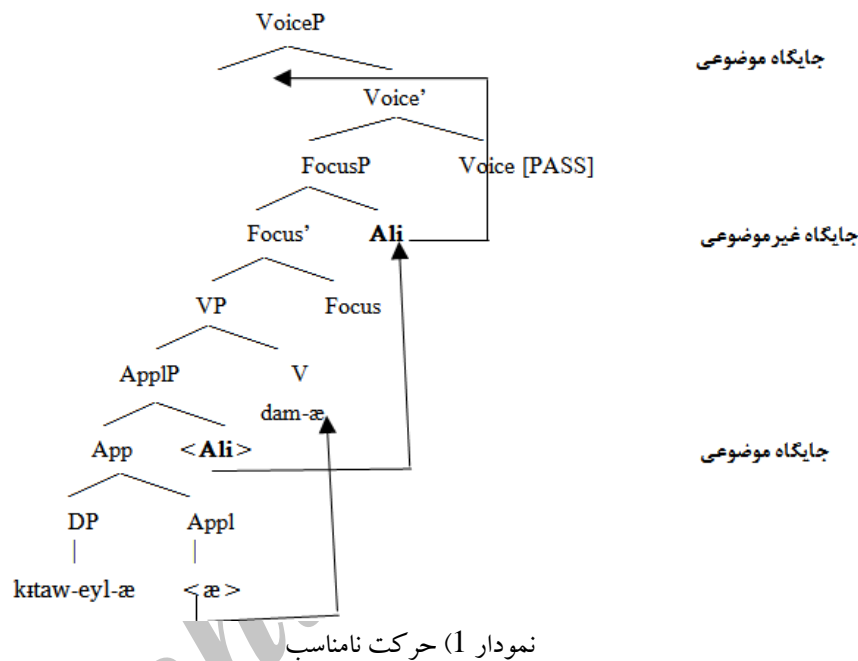
c. *Ali ktaw-eyl-a dr-ya-n-æ.

الحاق-3. جمع-مجهول. گذشته-دادن معرفه-جمع-کتاب علی

‘کتاب‌ها به علی داده شدند.’

همان‌طور که مشاهده می‌شود در مثال (b) مفعول مستقیم در حضور گروه اسمی الحاقی /مفعول غیرمستقیم قابلیت حرکت به جایگاه فاعل و مطابقت با فعل مجهول را دارد. این در حالی است که مفعول الحاقی نمی‌تواند در جایگاه فاعل روساختی جمله مجهول قرار بگیرد (مثال (c)).

اهمیت نظری عدم قابلیت حرکت گروه اسمی الحاقی به جایگاه فاعل در ساخت مجهول در موضوعیت یافتن اصول و شروط ناظر بر حرکت گروه‌های اسمی است. بر اساس پیش‌بینی نظری، چنانچه گروه اسمی الحاقی در ساخت‌های متعدی دو مفعولی، متعاقب الحاقی‌سازی و قرارگیری در [spec, Appl]، جهت القای خوانش تاکید اطلاعاتی، به جایگاه کانون (پایین)، [spec, Foc]، حرکت کند امکان حرکت مجدد به جایگاه فاعل، [spec, T/Voice]، سلب خواهد شد چرا که جایگاه کانون جایگاهی غیرموضوعی است و جایگاه فاعل جایگاهی موضوعی. حرکت از جایگاه موضوع (جایگاه ادغام بیرونی موضوع الحاقی) به جایگاه غیرموضوع (جایگاه درونی موضوع الحاقی/کانون) و حرکت مجدد به جایگاه موضوع (جایگاه فاعل) مصداقی از حرکت نامناسب¹ است (چامسکی، 1986، اباتا و ایستاین، 2011):



لذا، عدم حرکت گروه اسمی الحاقی به جایگاه فاعل در ساخت مجهول، بر اساس پیش‌بینی نظری، اصولاً امکان‌پذیر نیست^{2 3}. با این حال، پیش‌بینی دیگر این است که گروه اسمی (مفعول غیرمستقیم) الحاقی پس از حرکت به جایگاه

¹ Improper movement

² البته باید توجه داشت که عدم توانایی گروه حرف اضافه‌ای مفعول غیرمستقیم (غیر الحاقی) در حرکت به جایگاه فاعل، در مثال (18)، به دلیل عدم تناسب مشخصه مقوله‌ای این گروه (حرف اضافه) با مشخصه مقوله‌ای اسم/حرف تعریف در هسته زمان یا همان اصل فراقنی گسترده (EPP) میباشد. براینکه این مبحث این است که اصولاً موضوع هدف (مفعول غیرمستقیم) خواه به شکل گروه اسمی الحاقی خواه به صورت گروه حرف اضافه‌ای غیرالحاقی قابلیت حرکت به جایگاه فاعل را ندارد.

³ عدم شرکت مفعول‌های الحاقی در فرایندهای حرکتی همچون ارتقاء در ساخت‌های مجهول و یا مبتداسازی نه منحصر به زبان کردی است و نه الزاماً همیشه تابعی از محدودیت‌های مذکور در متن مقاله. به عنوان نمونه، در زبان انگلیسی ساخت‌های لازم که دستخوش فرایند الحاق گردیده‌اند به صورت گزینشی ارتقاء موضوع الحاقی را مجاز می‌شمارند:

- (i) John went home.
- (ii) *home, John went.
- (iii) to home, John went

کانون (غیرموضوعی) همچنان امکان حرکت به جایگاهی در حاشیهٔ چپ جمله را داشته باشد. در مثال‌های زیر، مشهود است که مفعول الحاقی می‌تواند به عنوان مبتدا (بدون تکیه تقابلی) و یا کانون (با تکیه تقابلی) به جایگاه مبتدا یا کانون که هر دو غیرموضوعی هستند حرکت کند. نکتهٔ قابل توجه در این مثال‌ها این است که در این زبان، همچون سایر زبان‌های ایرانی، حرکت گروه اسمی به جایگاه غیرموضوع در حاشیهٔ چپ جمله مستلزم ابقای واژه‌بست متناظر/ضمیر تکراری در جایگاه ادغام اولیه است.

(18) a. Ali, ktaw-eyl-a dr-ya-n-æ p-e.

او-به الحاق-3. جمع-مجهول. گذشته-دادن معرفه-جمع-کتاب علی
'علی، کتاب‌ها به او داده شدند.'

b. Ali, ktaw-eyl-a fruš-ya-n-æ p-e.

او-به الحاق-3. جمع-مجهول. گذشته-فروختن معرفه-جمع-کتاب علی
'علی، کتاب به او فروخته شد.'

نکتهٔ قابل تامل در این ساخت‌ها این است که یک حرف اضافهٔ تخفیف یافته به معنی به که اصولاً در ساختار دستوری این زبان استقلال وجودی ندارد میزبان آوایی واژه‌بست متناظر/ضمیر تکراری می‌شود. این نکته محرز است که حضور آوایی این حرف اضافهٔ تخفیف یافته مصداقی از درج واژگانی آوایی به عنوان آخرین راه چاره برای جلوگیری از ساقط شدن اشتقاق در سطح آوایی است چرا که ضمیر تکراری به صورت واژه‌بست استقلال آوایی ندارد. علاوه بر این، آنچه حضور این حرف اضافهٔ تخفیف یافته نشان می‌دهد این است که وند الحاقی -æ در ساخت‌های الحاقی را نمی‌توان صرفاً صورت آوایی تخفیف یافتهٔ حروف اضافه قلمداد کرد؛ چرا که در ساخت‌های بی‌نشان الحاقی، حروف اضافه و وند الحاقی در توزیع تکمیلی هستند و حضور همزمان این دو عنصر امکان‌پذیر نیست؛ با این حال در این ساخت‌های نشان‌دار که حرکت گروه اسمی الحاقی به جایگاه غیرموضوعی در حاشیهٔ چپ جمله صورت پذیرفته است هر دو حرف اضافهٔ تخفیف یافته و وند الحاقی در تنوع آزاد هستند. چنانچه وند الحاقی صرفاً صورت آوایی تخفیف یافتهٔ حروف اضافه بود انتظار می‌رفت که در این ساخت‌ها یا حرف اضافهٔ اصلی (صورت آوایی تخفیف نیافته) و یا صورت تخفیف یافتهٔ حرف اضافه بدون حضور وند الحاقی ظاهر گردد. حال آنکه چنین نیست.

برایند مبحث فوق این است که در کردی کلهری مفعول‌ها در رابطه با فرایند مجهول‌سازی رفتار متفاوتی دارند و از این لحاظ در زمرهٔ زبان‌های مفعول-نامتقارن قرار می‌گیرد. هم‌چنین دریافتیم که مفعول الحاقی نیز رفتاری مشابه با مفعول غیرمستقیم در جملات غیرالحاقی دارد و تنها در صورتی که مبتدا/کانون واقع شود می‌تواند در حاشیهٔ چپ جمله قرار گیرد.

گروه حرف اضافه‌ای مکان (to home) تحت تاثیر فرایند الحاقی‌سازی به گروه اسمی (home) تبدیل شده است، این درحالیست که موضوع (مکانی) الحاقی قابلیت مبتداسازی ندارد (ii). چرا که براساس ساخت سازه‌ای انگلیسی، مبتدا‌های مکانی، اصولاً می‌بایست دارای مقولهٔ گروه حرف اضافه‌ای باشند؛ لذا برای بدست‌دادن خوانش مبتدا از مکان، انگلیسی از نسخهٔ غیرالحاقی استفاده می‌کند (iii).

4. اشتقاق ساخت الحاقی

همان‌طور که در بخش‌های قبلی ذکر شد ساخت‌های الحاقی در این گویش در اکثر مواقع خوانش بهره‌وری و مکانی دارند. برای تشکیل انواع متفاوت ساخت‌های الحاقی در گویش کلهری از تکواژ واحد -æ استفاده می‌شود. این تکواژ با پیوستن به فعل و معمولاً تغییر نقش یک موضوع غیرمفعولی به نقش مفعولی باعث تشکیل ساخت الحاقی در گویش مذکور می‌شود:

(19) a. Ćɪ-m ra maɬ.

خانه حرف اضافه 1. مفرد-حال. رفتن

‘(من) به خانه می‌روم.’

b. Ćɪ-m-æ maɬ.

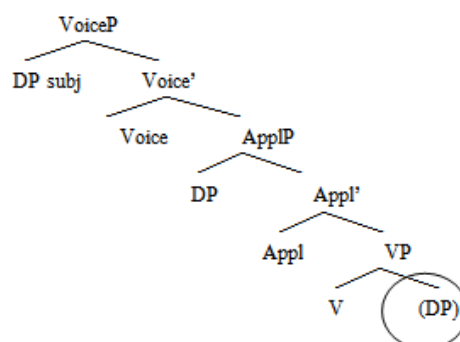
خانه الحاق-1. مفرد-حال. رفتن

‘(من) به خانه می‌روم.’

بر اساس تحلیلی که پولکانن (2008) در رابطه با ساخت‌های الحاقی به دست می‌دهد وند الحاقی به عنوان هسته الحاق و موضوع الحاقی نیز در جایگاه مشخص‌گر گروه الحاق ادغام می‌شود. وی همچنین روش‌هایی را نیز برای تعیین نوع الحاق پیشنهاد می‌کند. در این بخش بر آنیم تا روش‌های پیشنهادی پولکانن را با داده‌هایی از کردی کلهری بیازماییم و دریابیم که تحلیل وی تا چه اندازه می‌تواند این داده‌ها را توجیه کند.

4-1. ساخت الحاقی فرازین

در ساخت الحاقی فرازین، هسته الحاق ارتباط معنایی میان مفعول الحاقی و رویداد توصیف شده توسط فعل را نشان می‌دهد. الحاق فرازین در جایگاهی بالاتر از گروه فعلی و پایین‌تر از جایگاه موضوع بیرونی قرار دارد (پولکانن، 2008؛ جئونگ¹، 2006). هسته الحاق فرازین به لحاظ معنایی با گروه فعلی متمم خود ترکیب می‌شود و یک شرکت‌کننده را توسط قاعده شناسایی رخداد² به رویداد جمله اضافه می‌کند (کوروو³، 2003). پولکانن معتقد است که در این نوع الحاق، هسته‌ها انواع متفاوتی از جمله ابزاری، بهره‌ور، متضرر و غیره هستند (پولکانن، 2001: 21). ساختار کلی ساخت‌های الحاقی فرازین به صورت زیر است:



(کوروو، 2003: 21)

¹ Y. Jeong

² Event Identification

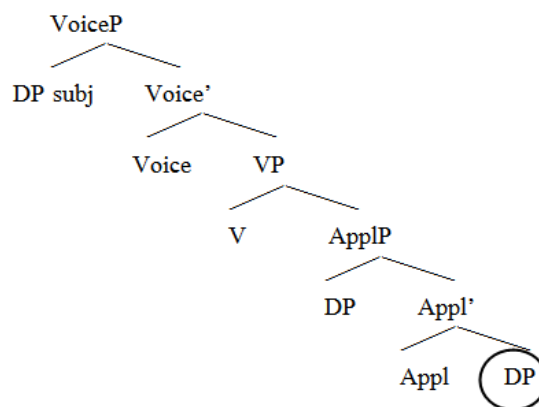
³ M. Cuervo

نمودار 2) ساختار نحوی الحاقی فرازین

در این ساختار، مفعول الحاقی بالاتر از مفعول مستقیم جمله و در جایگاه مشخص گر گروه الحاقی قرار دارد. مفعول مستقیم نیز به عنوان متمم هسته فعلی ادغام شده است. بنابراین همان گونه که مشاهده می شود مفعول الحاقی به صورت نامتقارن مفعول مستقیم را سازه فرمانی می کند (بارس و لزنیک، 1986؛ مارانتز، 1993).

4-2. ساخت الحاقی فرودین

در ساخت الحاقی فرودین، هسته الحاق موضوع الحاقی را به مفعول پیوند می دهد. به لحاظ ساختاری، الحاق فرودین بلافاصله پایین تر از گروه فعلی قرار دارد. این گروه فعلی دارای یک مفعول مستقیم می باشد که در ساخت نحوی به عنوان متمم هسته الحاقی قرار می گیرد. نمودار زیر ساختار کلی این نوع الحاقی ها را نشان می دهد:



(کوروو، 2003: 21)

نمودار 3) ساختار نحوی الحاقی فرودین

گروه حرف تعریف بالاتر، مفعول الحاقی است و گروه حرف تعریف پایین که به عنوان متمم هسته الحاق قرار گرفته است مفعول مستقیم جمله می باشد. به عبارت دیگر، در این نوع الحاق نیز مفعول غیرمستقیم به صورت نامتقارن مفعول مستقیم را سازه فرمانی می کند.

الحاق فرودین دارای دو موضوع مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم است (پولکانن، 2008). پولکانن (2008) ادعا می کند که موضوع های الحاق فرودین هیچ گونه رابطه معنایی با فعل ندارند و تنها انتقال مالکیت به مفعول مستقیم را نشان می دهند. بر این مبنا، الحاق فرودین تنها رابطه ملکی میان دو گروه حرف تعریف مفعول-گیرنده و یا مفعول-مبدأ را نشان می دهد.

پولکانن معتقد است که فقط الحاقی های فرازین می توانند با افعال ناکنادی¹ ترکیب شوند و الحاق فرودین فقط با افعال غیرمفعولی و گذرا قادر است ظاهر شود؛ چرا که افعال ناکنادی فاقد موضوع پذیرا هستند و بر مبنای معیار دومی که پولکانن مطرح می کند چون هسته الحاق فرودین انتقال مالکیت را نشان می دهد، این نوع الحاق نمی تواند با افعال کاملاً ایستا²

¹ Unergative² Stative

ترکیب شود و تشکیل ساخت الحاقی دهد. حال داده‌هایی از کردی کلهری را در رابطه با این معیارها مورد بررسی قرار می‌دهیم:

(20) a. Čɪ-m-æ maɫ.

خانه الحاق-1.مفرد-حال.رفتن

‘به خانه می‌روم.’

b. dæv-im-æ maɫ.

خانه الحاق-1.مفرد-گذشته.دویدن

‘(من) به خانه دویدم’ معنای لفظی:

‘(من) دوان به خانه رفتم.’ معنای مورد نظر:

c. xænes-em-æ pe.

او الحاق-1.مفرد-گذشته.خندیدن

‘به او خندیدم.’

جملات فوق همگی کاملاً دستوری هستند و هسته الحاقی بدون هیچ مشکلی با فعل‌های ناکنادی ترکیب شده و تشکیل ساخت الحاقی داده است. بنابراین، بر مبنای معیار اول این ساخت‌ها، ساخت الحاقی فرازین هستند. حال این نوع ساخت را با فعل ایستای ha به معنای بودن به کار می‌بریم و آن را با مقیاس دوم می‌سنجیم:

(21) Ha-m-æ maɫ.

خانه الحاق-1.مفرد-حال.بودن

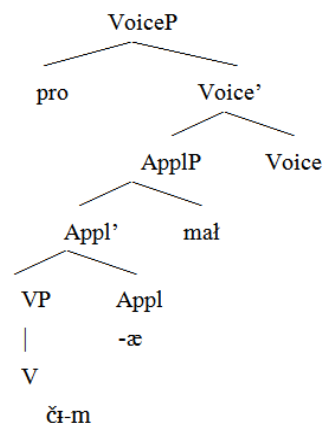
‘(من) در خانه هستم.’

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود کاربرد این نوع ساخت با فعل ایستا نیز کاملاً دستوری است بنابراین بر اساس معیار دوم نیز ساخت حاصل، ساخت الحاقی فرازین است. ساختار نحوی جمله زیر به صورت زیر خواهد بود:

(22) Čɪ-m-æ maɫ.

خانه الحاق-1.مفرد-حال.رفت

‘به خانه می‌روم.’



نمودار 4) ساختار نحوی الحاقی فرازین

با توجه به نمودار فوق، مراحل اشتقاق ساخت الحاقی فرازین در کردی کلهری به این صورت خواهد بود: فعل جمله که فاقد موضوع فرودین است با هسته الحاقی فرازین ادغام می‌شود و گروه الحاقی را تشکیل می‌دهد. مفعول الحاقی که به واسطه هسته الحاقی به ساخت نحوی اضافه می‌شود در جایگاه مشخص‌گر گروه الحاقی قرار می‌گیرد. موضوع بیرونی که در این جا ضمیر انتزاعی pro است توسط هسته نقشی جهت به ساخت معرفی می‌گردد و به صورت شناسه روی فعل بازیابی می‌شود.

کردی کلهری علاوه بر ساخت‌های فوق، دارای ساخت‌های دو مفعولی نیز هست. این ساخت‌ها در برخی زبان‌ها مثل انگلیسی و ژاپنی دارای ساخت الحاقی فرودین و در زبان‌هایی چون لوگاندا¹ و وندا² دارای ساخت الحاقی فرازین هستند. حال با توجه به معیارهای پولکانن این ساخت‌ها را در گویش کلهری مورد بررسی قرار می‌دهیم:

(23) a. Kɪtaw-æ da-m-æ Reza.
رضا الحاق-1.مفرد-گذشته.دادن معرفه-کتاب

‘کتاب را به رضا دادم.’

b. Kɪtaw-a fruš-an-æ Reza.
رضا الحاق-3.جمع-گذشته.فروختن معرفه-کتاب

‘(آن‌ها) کتاب را به علی فروختند.’

c. maɫ-æ sæn-ün-æ le.
او الحاق-3.جمع-گذشته.خریدن معرفه-خانه

‘خانه را از او خریده بودند.’

الف) کاربرد با فعل ناکنادی:

(24) a. *Ali dævi-Ø-æ Reza.
رضا الحاق-3.مفرد-گذشته.دویدن علی

‘علی برای (به سمت) رضا دوید.’

b. Ali dævi-Ø ra Reza.
رضا حرف اضافه 3.مفرد-گذشته.دویدن علی

‘علی به سمت رضا دوید.’

ب) کاربرد با فعل ایستا:

(25) a. *kɪtaw-æ gɪr-t-em-æ Sara.
سارا الحاق-1.مفرد-گذشته-نگه داشتن معرفه-کتاب

‘کتاب را برای سارا نگه داشتم.’

b. kɪtaw-æ gɪr-t-em ra Sara.
سارا برای 1.مفرد-گذشته-نگه داشتن معرفه-کتاب

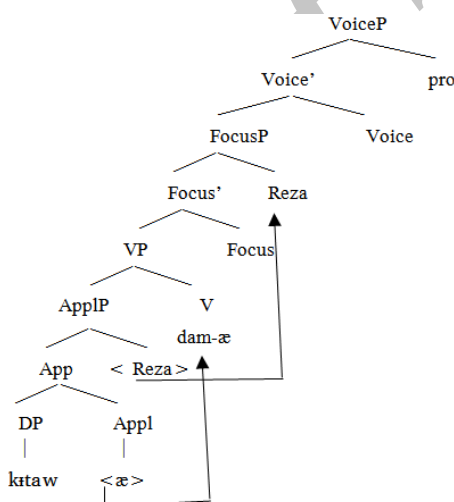
c. Kɪtaw-æ ra Sara gɪr-t-em.
‘کتاب را برای سارا نگه داشتم.’

¹ Luganda

² Venda

آن‌گونه که مثال‌های فوق نشان می‌دهند کاربرد این ساخت‌ها با افعال ناکنادی و ایستا غیر دستوری است. بر مبنای معیار اول، تنها هسته الحاق فرازین می‌تواند با افعال ناکنادی ترکیب شود؛ چرا که هسته الحاق فرودین، مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم را به هم پیوند می‌دهد. از آنجایی که افعال ناکنادی فاقد موضوع مفعول مستقیم هستند کاربرد آن‌ها در ساخت الحاق فرودین غیر دستوری خواهد بود. بر مبنای معیار دوم، الحاق فرودین رابطه انتقال مالکیت را نشان می‌دهد. بنابراین کاربرد این ساخت با افعالی که ایستا هستند و هیچ‌گونه انتقال مالکیتی را نشان نمی‌دهند غیر دستوری خواهد بود. بر اساس این دو معیار نتیجه می‌گیریم که ساخت‌های دومفعولی در گویش کلهری از نوع الحاق فرودین هستند. هم‌چنین از مثال (23) می‌توان دریافت که ساخت الحاقی فرودین در کردی کلهری بر دو نوع است. جمله (a23) نمونه‌ای از الحاق فرودین گیرنده و جمله (c23) نمونه‌ای از الحاق فرودین مبدأ است که هر دو بیان‌گر مفهوم انتقال مالکیت هستند. نمودار زیر ساخت الحاقی فرودین در گویش کلهری را بازنمایی می‌کند:

(26). Kɪtaw-æ da-m-æ Reza.
 رضا الحاق-1.مفرد-گذشته.دادن معرفه-کتاب
 کتاب را به رضا دادم.



نمودار (5) ساخت الحاقی فرودین

در اشتقاق جمله فوق، مفعول مستقیم و هسته الحاق فرودین با هم ادغام شده‌اند و گروه الحاقی را پدید آورده‌اند. مفعول الحاقی نیز که توسط هسته الحاق به ساخت معرفی گردیده است در جایگاه مشخص‌گر گروه الحاقی قرار گرفته است. از ادغام فعل و گروه الحاقی نیز گروه فعلی تشکیل شده است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد زمانی که تأکید بر روی مفعول غیرمستقیم جمله باشد از ساخت الحاقی استفاده می‌شود؛ بنابراین مفعول الحاقی تحت فرایند کانونی‌سازی به جایگاه مشخص‌گر گروه کانون پایین حرکت می‌کند.

در تحلیل ساخت‌های الحاقی گویش کلهری بر اساس رویکرد پولکانن دریافتیم که ساخت‌های مذکور در این گویش بر دو نوع ساخت الحاقی فرازین و ساخت الحاقی فرودین هستند. هم‌چنین بر اساس معیارهای ارائه شده مشخص شد که

ساخت‌های الحاقی مکانی از نوع ساخت الحاقی فرازین و ساخت‌های الحاقی بهره‌وری / متضرر متشکل از فعل دو مفعولی از نوع ساخت الحاقی فرودین هستند.

5. نتیجه‌گیری

در بررسی و تحلیل داده‌های مربوط به ساخت الحاقی در کردی کلهری مشخص شد که در این گویش با فعل‌های لازم و متعدی که با حروف اضافه *ra*، *wæ* و *le* با طیف‌های معنایی به، در/ در کنار، روی و از همراه می‌شوند می‌توان ساخت الحاقی ایجاد کرد. ساخت‌های الحاقی در گویش مورد بررسی از نوع ساخت‌های الحاقی بهره‌ور/ متضرر و مکانی هستند. این ساخت‌ها در گویش کلهری همگی دارای معادل غیرالحاقی نیز می‌باشند. گویشور بر اساس این که چه سازه‌ای (مفعول مستقیم یا غیرمستقیم) دارای کانون تقابلی است صورت الحاقی و یا غیرالحاقی را برمی‌گزیند؛ بدین صورت که هرگاه تأکید بر روی مفعول غیرمستقیم واقع شود صورت الحاقی به کار گرفته می‌شود. همچنین در تحلیل داده‌های گویش کلهری بر مبنای معیارهای پولکانن (2008) مشخص شد که گویش مذکور دارای هر دو نوع الحاق فرودین و فرازین است. بر این اساس، ساخت‌های الحاقی مکانی از نوع ساخت الحاقی فرازین هستند و ساخت‌های دو مفعولی این گویش از نوع ساخت الحاقی فرودین می‌باشند و از آن‌جا که مفعول غیرمستقیم در این نوع ساخت همواره دارای تأکید است به جایگاه مشخص‌گر گروه کانون حرکت می‌کند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که رویکرد نحوی پولکانن به خوبی توانسته است داده‌های مربوط به ساخت الحاقی در گویش کلهری را تبیین کند.

کتابنامه

- رضایی، والی و مژگان هوشمند. (1391). بررسی رده‌شناختی ویژگی‌های نشانه‌گذاری و رفتاری ساخت‌های دو مفعولی در زبان فارسی. مجله زبان‌شناسی تطبیقی، 4، 125-144.
- Baker, M. (1988). *Incorporation: A Theory of Grammatical Function Changing*. Chicago: University of Chicago Press.
- Barss, A., Lasnik, H. (1986). A note on anaphora and double objects. *Linguistic Inquiry*, 17, 347-354.
- Chomsky, N. (1986). *Barriers*. MIT Press, Cambridge, Mass: MIT Press.
- Cuervo, M. (2003). *Datives at Large*. Ph.D. Dissertation, Department of Linguistics, Massachusetts Institute of Technology, Cambridge.
- Jeong, Y. (2006). *The landscape of applicatives*. Doctoral dissertation, University of Maryland.
- Karimi, Y. (2014). On the syntax of ergativity in Kurdish. *Poznan Studies in Contemporary Linguistics*, 50:3, 231-271.
- Kittila, S. (2006). The anomaly of the verb give explained by its high (formal and semantic) transitivity. *Linguistics*, 44 (3), 569- 612 .
- Kratzer, A. (1994). On external arguments. In Elena Benedicto & Jeff Runner (ed.), *Functional Projections*, 17. 103-130 .

- Lambrecht, K. (1994). Information structure and sentence form: Topic, focus, and the mental referents. In *Cambridge Studies in Linguistics 71*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Marantz, A. (1993). Implications of Asymmetries in Double Object Constructions. Sam A. Mchombo (eds.), *Theoretical Aspects of Bantu Grammar*, 1. 113-150. CSLI Publications, Stanford.
- Mchombo, S. (1993). *The syntax of Chichewa*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mithun, M. (2001). Understanding and Explaining Applicatives. *Chicago Linguistic Society*, 37. 73-97.
- Obata, M. and Epstein, S. D. (2011). Feature-splitting internal merge: improper movement, intervention, and the A/A' distinction. *Syntax*, 14: 122 - 147.
- Pylkkänen, L. (2001). What applicative heads apply to. In Michelle Minnick Fox, Alexander Williams, and Elsi Kaiser, (eds), *Proceedings of the 24th Annual Penn Linguistics Colloquium*. 197-210 .
- Pylkkänen, L. (2002). *Introducing Arguments*. Ph.D.-dissertation, MIT. Radin, P. (1929) A Grammar of the Wappo Language. Berkeley: University of California Press.
- Pylkkänen, L. (2008). *Introducing Arguments*. Cambridge: MIT Press.
- Sedighi, A. (2007). Psychological Constructions and Super High Applicatives in Persian. *Cahier Linguistic d'Ottawa*, 35: 137-160.
- Shibatani, M. (1990). *The Languages of Japan*. Cambridge: Cambridge University Press .

Archive of SID